

[دوران امر بین تخصیص و تخصص 1](#_Toc98191044)

[تمسک به عام و اثبات تخصص و بیان یک مثال 1](#_Toc98191045)

[تمسک بعضی از علما به عام و اثبات تخصص 2](#_Toc98191046)

[مختار مرحوم آخوند و عدم تمسک به عام برای اثبات تخصص 2](#_Toc98191047)

[بررسی وجوب فحص برای تمسک به عام 3](#_Toc98191048)

[دو نکته 3](#_Toc98191049)

[نکته اول: عمومیت داشتن بحث فحص 3](#_Toc98191050)

[نکته دوم: تفاوت فحص در اصول لفظیه و عملیه 3](#_Toc98191051)

[مختار مرحوم آخوند و مرحوم نائینی 4](#_Toc98191052)

[نقد استاد 4](#_Toc98191053)

[تحریر محل نزاع 4](#_Toc98191054)

**موضوع**: بررسی کلمات /تمسک به عام قبل از فحص /عام و خاص

# دوران امر بین تخصیص و تخصص

## تمسک به عام و اثبات تخصص و بیان یک مثال

بحث در مورد دوران امر بین تخصیص و تخصص بود. مثال معروفش در باب ماء الاستنجاء است. این ماء که قلیل هم هست به حکم روایات معتبره منجس نیست. مثلا شخص پیراهن بلندی می­پوشیده و وقتی که به بیت الخلاء می­رود و موضع نجس را تطهیر می­کند و بعد آب جاری شده و با لباسش ملاقات می­کند، لباسش پاک است.

کلام در این است که آیا آن ادله ای که می­گویند آب قلیل وقتی که با نجس ملاقات کند نجس می­شود، تخصیص زده شده است یا این که این ادله به عمومشان باقی هستند و آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس می­شود حتی اگر آب استنجا باشد ولی آب استنجا نجس هست و در عین حال منجس نیست.

بعضی گفته اند مقتضای ادله متنجس شدن آب قلیل به وسیله ملاقات با نجس تخصیص زده نشده است و به عمومش آب استنجا را شامل می­شود هر چند که آب استنجا قطعا منجس نیست؛ اما از این باب است که پاک است و تخصیص زده است یا این که تخصیص نزده شده است و خروجش تخصص است و یک تعبدی است که حکم به نجاست نمی­شود. این مثال را قبول داریم که مقداری جای مناقشه دارد.[[1]](#footnote-1)

### تمسک بعضی از علما به عام و اثبات تخصص

بعضی به اصاله الاطلاق روایات که می­گویند آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس می­شود، تمسک کرده­اند و گفته اند ماء استنجا هم نجس است ولی منجس نیست.

### مختار مرحوم آخوند و عدم تمسک به عام برای اثبات تخصص

مرحوم آخوند خلافا لشیخ الانصاری گفت: ما نمی­توانیم به عام تمسک کنیم و اثبات تخصص کنیم. مثلا گفته است اکرم العلما و لا تکرم زیدا. نمی­دانیم زید جاهل است تا خروجش تخصصا باشد و یا عالم است تا خروجش تخصیصا باشد. مرحوم شیخ گفته است به عام تمسک می­کنیم و آثار جهالت مترتب می­شود. در این مثال اثر واضح است: اکرم العلما العدول. لا تکرم زیدا. نمی­دانیم زید فاسق است یا عادل. تمسک به اصاله العموم می­شود و اثبات فسق می­شود.

مرحوم آخوند فرموده است تمسک به اصول لفظیه به خاطر سیره عقلا است، به ضم این که شارع ردع نکرده است. سیره عقلا دلیل لبی است و اطلاق ندارد. قدر متیقن از سیره عقلا جایی است که ما در فردیت مشکوک شک نداشته باشیم. یقینا زید عادل است ولی نمی­دانم وجوب اکرام دارد یا نه، اصاله العموم می­گوید وجوب اکرام دارد. اگر فردیت برای عام یقینی است و شک در مراد مولا است جای اصاله العموم است. اما اگر عکس شد یعنی حکم را می­دانیم و علما وجوب اکرام دارند و زید هم وجوب اکرام ندارد ولی نمی­دانیم زید عالم است پس خروجش از عام، تخصیصی است یا این که زید جاهل است و خروجش تخصصی است. در این جا معلوم نیست که عقلا اصل جاری کنند. در این جا مراد مولا معلوم است این که عقلا در این جا هم بگویند اصل عموم است پس زید از جهال است، محرز نیست.

مرحوم آخوند در چند جای کفایه این مطلب را تکرار کرده است و حرف متینی است. اصول لفظیه در جایی جاری هستند که شک در مراد است و حکم مولا روشن نیست که آیا عام است یا خاص. اما در جایی که حکم مولا معلوم است و مولا وظیفه را معلوم کرده است ولی شک در کیفیت ما اراد داریم، جای اصل لفظی نیست. در این جا عقلا در زید به عام عمل نمی­کنند و در غیر زید به عام عمل می­کنند و دیگر چیزی استفاده نمی­شود. باید شک داشته باشیم که مراد مولا چیست تا از عمل عقلا مراد مولا را کشف کنیم.

حالا که عمومی در عمل عقلا وجود نداشت، دیگر نمی­توانند از موجبه کلیه، عکس نقیض نتیجه بگیرند چرا که مردم به اصاله العموم برای عکس نقیض عمل نمی­کنند. به اصاله العموم برای اثبات لازمه که عکس نقیض است، تمسک نمی­کنند. مرحوم آخوند می­گوید چنین سیره ای وجود ندارد.(تمسک به اصاله العموم برای اثبات عکس نقیض)

# بررسی وجوب فحص برای تمسک به عام

مرحوم آخوند در ادامه وارد یک بحث جدیدی شده است. ایا در تمسک به عام فحص لازم است یا خیر؟ اگر فحص لازم است به چه مقدار واجب است؟

## دو نکته

دو نکته در مقام وجود دارد.

### نکته اول: عمومیت داشتن بحث فحص

فحص از مخصص خصوصیت ندارد. هر ظاهری حالا عام باشد یا مطلق یا این که اصلا مطلق و عام نیست و فقط یک ظاهری داریم آیا لازم است که فحص از مخصص کنیم و ببینیم معارضی دارد یا نه؟ به طور جامع ایا فحص از منافی لازم است یا نه؟ منافی اعم از خاص و قید و معارض و ناسخ .... است. در صورت عدم فحص ظاهر خطابات حجیت ندارد؟

این که در این جا این بحث را مطرح کرده­اند به خاطر این است که مخصصات زیاد بوده است. ما من عام و الا و قد خص و الا فحص از مخصص موضوعیت ندارد.

### نکته دوم: تفاوت فحص در اصول لفظیه و عملیه

بحث از وجوب فحص در دو جا مطرح است. یکی در اصول لفظیه و دیگری در اصول عملیه. در بحث عام فحص از منافی مطرح است و در اصول عملیه فحص از دلیل است.

#### مختار مرحوم آخوند و مرحوم نائینی

آیا این دو فحص متفاوت است؟ مرحوم آخوند فرموده است: بله متفاوت است. در این جا بحث از فحص، بحث از وجود مانع بعد از فراغ از مقتضی است. باید فحص کنیم که این مقتضی، مانع دارد یا نه. ولی در اصول عملیه بحث از فحص از مقتضی است. در حقیقت اصل دلیل است در جایی که دلیلی نداشته باشیم. نداشتن دلیل به خاطر فقد یا اجمال یا تعارض دلیل است. پس در اصول عملیه فحص از موضوع و مقتضی است ولی در عام فحص از مانع است. این فرمایش مرحوم آخوند را مرحوم نائینی هم قبول کرده است.

#### نقد استاد

به نظر ما همان طوری که بعضی دیگر فرمودند این تفاوت فریب خوردن به ظاهر عنوان است. به نظر می­آید که لبّ این دو فحص فرقی نداشته باشند. لبّ قضیه این است که ما در اصول لفظیه هم فحص از مقتضی داریم. نتیجه کلام مرحوم آخوند هم همین است که عام قبل از فحص مقتضی برای حجیت را ندارد. یعنی موضوع حجیت نزد عقلا عامی است که فحص از مخصص آن شده است و موضوع ضیق است. عامی که حجت است یک قید دیگری دارد و آن این است که مخصص نداشته باشد. پس در هر دو مقام فحص از موضوع حجت است که آیا موضوع حجت تمام است یا نه. یعنی عام باشد و مخصص نداشته باشد. در هر دو فحص از موضوع است.

## تحریر محل نزاع

مرحوم آخوند محل نزاع را به نحوه ای تحریر می­کند که نتیجه می­گیرد بعضی از استدلالهایی که مطرح شده است خروج از محل نزاع است. ایشان فرموده است: محل نزاع ما در این که فحص از مخصص لازم است یا نه، بعد از فراغ از سه امر است:

1. حجیت ظهورات منوط به ظن شخصی به مدلوشان نیست. پس این که بعضی گفته اند باید ما از مخصص فحص کنیم چرا که اگر فحص نکنیم ظن پیدا نمی­کنیم، اشتباه است زیرا حصول ظن شخصی دخالت در حجیت ندارد و از طرفی ظن نوعی هم که دخالت در حجیت دارد، حاصل است. ممکن است قبل از فحص ظن نوعی وجود داشته باشد و ممکن است بعد از فحص هم ظن نوعی پیدا نشود. لذا جهت ظن شخصی و نوعی باید کنار گذاشته شود.
2. خطابات برای مشافهین و غیر مشافهین حجیت دارند. پس کسانی که گفته اند فحص لازم است چرا که خطابات مختص به مشافهین است و باید با قاعده اشتراک، حکم را تسریه بدهیم و قاعده اشتراک بعد از فحص است، اشتباه است. اساسا ممکن است یک قاعده ای کلیه باشد و به کسی متوجه نشده باشد.
3. ما علم اجمالی به مخصصات از کار افتاده است. علم اجمالی یا نیست یا اگر هست منحل شده است. پس این که بعضی گفته اند باید فحص کنیم چرا که علم اجمالی به مخصصات داریم ربطی به بحث ندارد. ما در مورادی به کثیری از مخصصات و مقیدات دست پیدا کردیم و الان به یک مطلق یا عامی رسیدیم و علم اجمالی هم نداریم و در عین حال باید فحص کنیم.

ما باید از خود حیث فحص بحث کنیم و کاری با نکته دیگری نداشته باشیم. مثل بحث از ظاهر کتاب که ظاهر کتاب بما هو ظاهر کتاب حجیت دارد یا نه. لذا اگر کسی بگوید ظواهر کتاب حجیت ندارد چرا که ما علم به منافیات آنها داریم، ربطی ندارد چرا که در روایات هم این علم به منافیات مطرح است. بله؛ اگر کسی گفت روایت می­گوید ظواهر کتاب حجیت ندارد، صحیح است. باید حیث فحص را بررسی کنیم که مضر به حجیت هست یا نه؟

مرحوم آخوند تفصیل بین خطابات شرعیه و غیر شرعیه داده است. ادامه بحث در جلسه آینده

1. -مقرر: شاید مراد استاد از مثال این باشد: ما یک عامی داریم که می­گوید: المتنجس ینجس. یک خاص هم داریم که می­گوید: آب استنجاء با ملاقات با چیزی موجب نجاست آن نمی­شود. حالا می­گوییم: قطعا ماء استنجا حکم عام را ندارد. اگر به عام تمسک کردیم و گفتیم متنجس نجس کننده است، از خاص کشف می­کنیم که اساسا ماء استنجا متنجس نیست و اگر نتوانیم به عام تمسک کنیم، کشف می­کنیم که ماء استنجا متنجس هست ولی تخصیص زده شده است. [↑](#footnote-ref-1)